حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره پانزدهم ـ سال اول

تاریخ : دوشنبه ١٤ میزان ١٣٥٩

مسافرت رسمی ودوستانه رفیق ببرك كارمل منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم ج.د.ا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

بنا بدعوت کمیتهٔ مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لیستی وحکومت شوروی رفیق ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغا نستان، رئیس شورای‌انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان در اواسط ماه اکتوبر سال جاری بازدید رسمی و دوستانه‌یی از اتحاد شوروی بعمل خواهد آورد .

اتحادیه نویسندگان وشاعران افغانستان ایجاد گردید

همه نشسته اند ، زمان می‌شمرند. تا چند لحظه‌فرا رسیدنی کار نخستین کنگره نویسندگان وشعرای افغانستان انقلابی ، آغاز می‌گردد .

امروز ویژه‌گی‌معینی‌دارد :از آریانای قدیم تاکنون،سرزمین‌ما، خاستگاه‌شعر وادب‌بوده است . شعر، ادب وبالاتر نویسندگان وشعرا در دراز نای زمان تانه موبر گهای مردم راه یافته اند. مردم ما هیچگاه باشعر وشاعر بیگانه نبوده‌اند .

وانقلاب ... انقلابی که‌تمامی شایبه های مولود تناقضات را برداشت ، شعر را ، ادبیات را چون آغاز صمیمی به سنگر برد .

و اینك زبعد یك تاریخ دور، مردان زمین شعر خیز گردهم می آیندتاپیمان ویگانگی بندند . آیـــا واقعاً امروز ویژگی ندارد ؟! بی شبهه ، آری دارد .

به گفته یی ، دگر روزگار نشستن بربرج عاج وشعر گفتن «از سربیدردی» «یادلتنگی ها» گذشته است . حالاهمه جا را گرفته ، صدای انقلاب. ودرست همین حالا است که : شعر شاعر ایمان است و درین شعر است که شاعرخود قطره قطره آب میشود . شاعر ما : در شعرش شلیك می کند در شعرش رنج می‌برد ، می‌گرید ، فریاد می‌کشد و عشق می ورزد .

شاعرما ، نویسندهٔ و اشاعر دوران انقلاب است .

وامروز شاعر ونویسندهٔ دوران انقلاب در تالار کنگره چیغ برآوردکه : آواز های ماگرچه رسانیست ، باید یکی شود . و هیچکس امروزه نگفت‌که: نه ،همه گفتند :نزدیك تر شویم ، باید یکی شویم .

بی‌تشریفات از دروازه و رودی عمومی رفیق سلطان علی کشتمندعضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا،معاون شورای انقلابی معاون صدراعظم ووزیر پلان ج.د.ا. در حالیکه پیشاپیش وی کهن مرد ادب وشخصیت اجتماعی مشهور عبدالهادی داوی باوجودناتوانی ومریضی روان بود، وارد تالار گردید. ازپی آن بعضی اعضای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا وشخصیت های برجسته‌ادبی

کشور نیز در جاییکه برای هیات‌رئیسه تعین شده بود قرار گرفتند .

وهمه ساکت در انتظار آغاز کنگره .... سکوتی که‌ازخاموشی مهوع‌انجمن های در باری کهن تفاوت داشت، مانند آماده‌گی برای شنیدن یك خبر اهم.

داکتر اسد الله حبیب که سمت ریاست کنگره را داشت اعلام گردکه: علی الرغم تلاش های تب آلود دشمنان انقلاب درین کنگره(٥٥٠) نفر شخصیت

بیکران به‌آن شاعران وادبایی‌که درراه انقلاب بوسیله مرتدین دوران انحراف شهید شده بود نداعلان گردید .

در ین سکوت، دنیا یی از تعظیم وبزرگداشت نهفته بود ...

ومتعاقباً شعری از ناصر خسرو قبادیانی قرائت شد، با مطلع :

خلق همه یکسره نهال خدایند

هیچ توزین نهال‌نه برکن نه‌بشکن

رفیق سلطان علی کشتمند پیام

کشور وبه همه نورهان شعر وادب توصیه می‌نماییم .

بعداً گاوون توفانی شاعر بااستعداد بیانیه‌یی پیرامون اساسنامه اتحادیه نویسندگان و شاعران ایراد نمود .

ویر چینکو معاون اتحاد یه نویسندگان اتحاد شوروی طی سخنان شور انگیز نیات و سلام های مردم شوروی و بخصوص نویسند گان و شاعران

بیرنگ کوهدامنی، نومیالی، غیاث‌بیدار، مولوی رحمت الله رحمت ، رشته (شاعر مردمی) سخنرانی نمودند .

ونمایندگان سازمان های اجتماعی و اتحادیه های نو تشکیل ژورنالیستان وهنرمندان پیامهای مربوط سازمان‌هایشان راتقدیم نمودند .

خبر نگار«حقیقت‌انقلاب ثور»گزارش

رفیق سلطان علی کشتمند هنگام‌قرائت پیام کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.و شورای انقلابیج.د.ا. عنوانی‌شرکت‌کنند گان کنگره موسس اتحادیه نویسند گان و شاعران ج.د.ا.

های ادبی، مشمول شخصیت‌های ادبی مرکز وولایات کشور شرکت کرده‌اند

باپخش سرود ملی ج.د.ا ـ اولین کنگره نویسندگان وشعرای کشور در تاریخ افغا نستان افتتاح گردید .

رئیس کنگره از اشتراك هیا ت نویسندگان وشعرا اتحاد شوروی رابه ریاست ویرچینکو معاون اتحادیهٔ نویسندگان اتحاد شوروی ، در کنگره اظهار شکران نمود .

ویك دقیقه سکوت ! به پاس حرمت

رفیق ببرك كارمل رابه نمایندگی از شورای انقلابی وکمیته مرکزی ح.د.خ.ا خطاب به اولین کنگره نویسندگان و شعرا ،بر خواند. متن‌پیام بیان‌دیدگاه حزب و دولت مادر زمینه تعهداجتماعی شاعران ونویسندگان ومحتوی وشکل نوین ادبیات دوران انقلاب بود.

وبیانیه اساسی کنگره توسط حبیب منگل عضو کمیته مرکز ی ح.د.خ.ا قرائت گردید . مطالعه دقیق «بیانیه اساسی کنگره» رابه همه شعرا وادبای

کشـــو ر بـز ر گ شـــو ر ا ها رابه شرکت کنندگان کنگره رسانید . وپیام خاص اتحادیه نویسندگان‌اتحاد شوروی راکه‌انباشته از صمیمیت‌دوستانه بود قرائت نمود .

در بخش دوم کار کنگره شاعران‌و نویسندگان به نماینده‌گی از ستونهای گونه گون ادبی به ارتباط بیانیه‌اساسی پیشنهادات و نظریات شان را طی بیانیه هایی ابراز داشتند .

نصرالله حافظ ، نادیه ، کریم‌محب،

داد: که پس از بحث‌پیرامون اساسنامه وطرح قطعنامهٔ کنگره ورای گیری درین موارد ، اعضای شورای مرکزی اتحادیه پیشنهاد گردید .

شورای مرکزی اتحادیه نویسندگان وشعرا پس از جلسه ، داکتر اسدالله حبیب را به حیث رئیس اتحادیه ، محمد دین‌ژواك رابه‌حیث معاون‌اتحادیه

(ص٤)

پیام به اتحادیه نویسندگان وشعرا

پیام شاد باش کمیتهٔ مر کزی حزب‌دمو کراتیك خلق افغا نستان‌و شورای انقلابی جمهوری دمـــو کراتیك افغـــانستان به اشتراك کنند گان کنگرهٔ موسس اتحادیه نویسند گان جمهوری‌دمو کراتیك افغا نستان :

دوستان گرامی ! نماینـد گان محترم‌نویسند گان و شا عران افغا نستان!

کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك‌خلق افغا نستان و شورای انقـلا بی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان بشما‌واز طریق شمابه تمام‌ادبای وطنپرست کشور محبوب ما از صمیم قلب درودمی فرستد .

در تاریخ فر هنگ کهن سال مـاایجاد ساز مان نو یسند گان ملـــی برای اولین بار توأم با مساعـــــی نجیبانه ی شما در راه وحدت نیرو های خلاق ، دلا لت بر درك عمیـق‌از وظایف ملی ما مینماید تا استعداد های ادبی در خدمت مردم ، آرما نهای‌واقعاً بشر دو ستانه انقلاب ثور و اصول عالی مر حله دوم آن قـــرارگیرد .

حزب به نقش عمدهٔ ادبیات میهنی‌در امر تجدید زندگی معنوی جامعهٔ افغا نی اهمیت بسزایی‌قایل میباشد .

انقلاب نه تنها در منحل کـــردن‌سیستم ظا لمانهٔ سیاسی و اقتصادی، پیروز مند میگردد بلکه برای پیروزی‌کا مل عقب ماند گی های فرهنگی را نیز از بین می بردو نیرو های ابتکاری‌مردم را از قید اند یشه ها و ذهنیت های تاریك فیودالی که قرن ها ظلم واستبداد را حکمفرما ساخته بود آزاد میسازد ، اجرای این وظایف حقیقتاً تاریخی تا اندازه زیادی به مـوقف سیاسی و اندیشه های‌فعالیت اجتماعی‌نویسند گان و شعرا که تاثیر معنوی بزرگی بر توده های خوانند گان دارد، ارتباط میگیرد بدین لحاظ همبستگی ادبای پیشتاز در یك صف واحـــدحایز اهمیت بارزی است .

دوستان گرامی ! بلند ترین مقام‌و پر ارج ترین مو قف اینست که در صف مبارزین راستین انقلاب قـــرار‌داشته باشیم و با ارادهٔ پو لادین و احساس عمیق قلبی در قطار وطـــن‌پرستان واقعی در جبهه ملی پدر وطن برزمیم .

درین لحظهٔ حساس مرحلهٔ نویـــن‌انقلاب ثور در حالیکه حزب همه نیرو ها را در جهت محو کا مل ضد انقلاب‌و باند های مسلح مداخله گراین‌جیره خوران امپر یا لیزم‌و هژمونیزم ،سوق‌داده است وطن از نویسند گـــان و شعرای خود انتظار آفر ینش چنا ن‌آثاری را دارد که نفرت مردم را علیه دشمنان شعله ور گرداند و عقیده آنهارا در پیروزی کا مل این امر مقدس تحکیم بخشدواز قهرمانی هاوپایمردی‌های مدافعین پر افتخار مردم ستایش بعمل آورد .

لازم است که نویسندگان وشاعران‌ما کار و پیکار و سلوك شا یسته و نجیبانهٔ انقلا بیون افغا نستان را که‌هدف عالی آنان خدمت صاد قانه به مردم است ، بصورت روشن عام فهم‌وپر خاطره بو سیله آثار ادبـــــی بیان و نمایان سازند .

(ص ٤)

جوانان پرشور ما برای سر کوب اشرار عازم جبهه شدند

یك تعداد از جوانان گروه هـــای مدا فعین انقلاب طور داو طلبانه بـه منظور امحای کامل دشمنان انقـــلاب ثور عازم جبهات شدند .

در مراسمی که بخاطر وداع بااین جوانان مبارز و انقلا بی در صحن ولایت کابل تر تیب شده بود والی کابل و بعضی از کدر های حزبـــی اشتراك نموده مو فقیت های مزیـــد ایشا نرا در راه سر کوب دشمنان انقلاب ثور آرزو کردند .

در اخیر یکتن از جوانان بنمایندگی از همقطاران خود طی بیانیه‌یی هرنوع فداکاری واز خود گذری شانرا در راه دفاع از دست آورد های انقلاب ثـــور ابراز کرده با شور انقلابی وعده داد که تا آخرین لحظه حیات در مقابل دشمنان سو گند خورده مردم شریف و زحمتکش افغا نستان مبارزه خواهند کرد و نو کران امپر یا لیزم را نیست و نا بود خواهند سا خت .

(ب)

کارگر ازانقلاب دفاع میکند

در راه صیانت وطن و حمایت‌ازدست آورد های انقلاب ثور ، خاصتاً در مرحله نوین تکاملی آن، وظایف جوانان وطن‌پرست و رزمنده است که در پهلوی برادران سرباز خویش قرار بگیرند و دشمنان انقلاب را از صفحه‌هستی نابود سازد .

این مطلب را غلام سخی باشنده‌گذر مسجد قلندرشاه در مزار شریف که‌تازه درصفوف سربازان ولایت‌بلخ داوطلبانه قرار گرفته است اظهار داشت .

به‌جواب این سوال که چرا بصورت داوطلبانه وظیفه‌مقدس‌سربازی راپذیرفته است ،گفت : احساس وطنپرستی و دفاع از دست آورد های انقلاب ثور در پرتو مرحلهٔ نوین تکاملی آن‌والاتر از همه اندیشه‌یی است که یك جوان داشته باشد. من هم با درك رسالت تاریخی خاصتاً دراین مرحـــلهٔ حساس تاریخ کشور که امپریالیزم بین المللی به همدستی‌عظمت‌طلبان‌چینی ، نظامیگران پاکستان ، مصر و اسرائیل و محافل ارتجاعی در رأس امپریالیزم جهانخوار امریکا در یك اتحاد شیطانی و نامقدس علیه انقلاب ثور و منافع مردم زحمتکش ما قرار گرفته اند. خواستم وظیفه خود رادر برابر مکلفیت های که تاریخ در برابرم به‌خاطر دفاع‌ازانقلاب وخاك مقدس قرار داده است انجام دهم.

این جوان رزمنده کار گر دستگـاه ساختمانی در ولایت بلخ است :

او گفت : من آگاهانه مسوولیـــت خویش را در برابر وطن و انقلاب ثـور درك کردم و داوطلبانه حاضر شدم‌تا درراه حراست خاك مقدس وانقلاب ثور تاپای جان در پهلوی برادران سر باز خویش برزمم و دشمنان انقلاب ثور را به‌زباله‌دان تاریخ می سپارم. پیروزی از آن ما است .

رویداد های جهان

هند دکترین شوم ستراتیژیکی جدید امپریالیزم امریکا را محکوم مینماید

وزیر خارجه هند در جلسه بحث عمومی سیا سی روز جمعه مجمـــع عمومی ساز مان ملل متحد در نیویارك گفت که بعقیده هند از بین بردن‌کامل اسلحه اتو می یگانه ضامن موثـــر در مقابل خطر استعمال و یا استعمال غیر عمدی اسلحه اتومی میباشد .

وی دکترین های شوم سترا تیژـ یکی جدید ی را که از طرف حکومت امریکا اعلام گردیده‌بشدت مورد انتقاد قرار داده گفت : دکترین هاییکه جهان را به اشتعال یك فاجعه جها نـــی اتو می نزدیك میسازد به تشدیـــد مسا بقات تسلیحا تی منجر میگردد .

وی متذکر شد که دکترین جدید مربوط به جنگ اتومی محدود خطر یك جنگ اتو می را عملا افزایش بخشیده است .

وی ضمن تماس به او ضاع حوزه جنوب شرق آسیا خواستار حـــل سیاسی اوضاع در اطراف افغانستان شده گفت که مذا کرات دو جا نبه بهترین و سیله برای اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مورد اختلاف میباشد.

وی سیاست خارجی پاکستان را بشدت‌مورد انتقادقرار داده ومخصوصاً خاطر نشان کرده که اسلام آباد از توافقهای مو جوده با هند تخلـــف ورزیده مسا له نا منهاد کشمیر را که وجود خارجی‌نداردر اجتماعات مختلف بین المللی مخصو صاً ساز مـــا ن ملل متحد مطرح میسازد .

وی یاد آور شد که اسلام آبـــاد برای بدست آوردن جمو و کشمیر از راه استعمال قوه سه بار به ما جرا جویی مسلحا نه دست زده اســت حا لا نکه جمو و کشمیر جز انفکاك نا پذیری از هند میباشند .

جوانان ساندنیست درجبهه دفاع از انقلاب نیکاراگوا

جوانان نیکاراگوا به مبارزه فعالانه شان برای دفاع از دست آورد هـــای انقلاب در کشور شان ادامه خواهند داد.

بیش از یکهزار نماینده اشتـــراك کننده در اولین کنگره جوانان نیکاراگوا بنام جوانان ساندنیست ۱۹ جولای که

(ص٤)

باید موجودیت نظامی امریکا در قبرس پایان یابد

رئیس اتحادیه دمو کراتیك متحد قبرس خواستار ختم موجودیت قـــوای مسلح امریکایی در پایگاه های‌برتانوی در قبرس شده است .

وی طی بیانیه در پارلمان قبرس گفت که‌طیارات جنگی وبم افگن فانتوم و طیارات حمل و نقل نوع هرکولس امریکایی و همچنان تعداد زیادی از افراد قوای بحری آن کشور دریـــن پایگاه ها متمر کز گردیده اند .

وی تقاضا کرد که حکومت قبرس بیك سلسله تحقیقات فوری بـــرای معلوم نمودن این مو ضوع انجام بدهد که چرا مو جودیت نظامی امریکا در قبرس رو به افزایش میباشد زیـــرا این مو جودیت برای استقلال و امنیت قبرس خطراتی را بوجود می آورد .

زنده باد دوستی بزرگ افغان ـ شوروی

عوامل عینی وذهنی تکامل شخصیت فرد انقلابی

بنیاد گذار اندیشه مترقی در آثار خود (مانند «سرمایه» و«یادداشتهای اقتصادی») «تکوین شخصیت» را مطرح میکند و از یك «حرکت مطلق بسوی شکل پذیری» شخصیت انسانی سخن میگوید.

این حرکت، ازجهت تاریخی مطلق است ولی در دورانهای مختلف تاریخی نسبی است و سرنوشت های مختلف دارد. **مثلا بنیاد گذار اندیشه مترقی بر آنست که** جهان باستانی رم و یونان، در قیاس باجهان سرمایه داری عصر ما، در تمام آن جهاتی که برای یافتن چهره کامل شخصیت انسانی و حدود مشخص آن تلاش می کرده، موفق تر بوده و می توانسته تا حد معینی مایه «ارضا معنوی» شود و عطش کمال طلبی انسان را دراشکال معینی از شخصیت فردبنشاند و حال آنکه جهان معاصر قادر نیست این «ارضاء معنوی» راپدید آورد و تب و تاب و جستجو و دغدغه درونی انسان ادامه می یابد و اگر جای هم باشد که بنظر می رسد بورژوازی توانسته است تکوین شخصیت را بشکل رضایت بخشی پدید آورد، به سخن وی این تنها یك تجلی محقر و مبتذل است.

بنیاد گذار اندیشه مترقی در «سرمایه» یاد آور میشود که بنیاد گذاران فکری **اولیه نظام بورژوازی، خود** با کوته بینی ها و سودورزی ها و خود خواهیهای ویژه نظام سرمایه داری موافق نبوده اند، ولی علی رغم آنها، نظامی که پدید آمد بهسیطره پول و سود و معاملات بازرگانی و مرکزیت ثروت وخودخوری ناشی از این مقولات میدان داد و جای برای یك شخصیت واقعی انسانی باقی نگذاشت.

این اندیشه ها در باره سیر تاریخی شخصیت بسی ژرف و داهیانه است. تاریخ کشور ما نشان میدهد که در واقع در جریان «سلوك عارفانه» ما گاه به شخصیت های شکل گرفته یی مانند شخصیت ابو سعید ابو الخیر، عطار مولوی، شمس تبریزی و دیگران میرسیم که دارای حدود و ثغور مشخص است وجذابیت خاصی داشته وبرای صاحب آن شخصیت نوعی احساس سکینه و رضامندی باطنی، نوعی احساس «وصول» و پختگی و کار آمد بودن ایجاد میکرده، ولی نظام سرمایه داری معاصر (بویژه سرمایه داری وابسته در جهان سوم) قادرنیست فرهنگی پدید آورد که در درون آن عطش کمال جویی شخصیت به سرچشمه زلالی دست یابد. سعدی «مقام آدمیت» رابسی فراتر از ایده‌آلهای متداول میشمرد ومی گفت خورو خواب و خشم و **شهوت شغب است وجهل** ظلمتحیوان خبرندارد زمقام آدمیت

لذا مسئله «تکوین شخصیت» یك امر مجرد از تکامل اجتماعی نیست وآنچه که روانشناسان و روانکاوان وروان پردازان (بیکه دلیست ها) شارلاتان در اروپای سرمایه داری و آمریکا بدان مشغولند حتی از آن تجلی محقر نیز پایین تر است و نظام سرمایه داری امروزین بویژه دیگر قادر نیست شخصیت آفرین باشد مگر در آن عرصه که انسان علیه سرمایه داری قیام میکند.

این «گریز فلسفی» را که شاید از مجال و حوصله یك مقاله خارج است ما برای جلب توجه آموزندگان اندیشه مترقی آوردیم و برای تفصیل بیشتر، آنها را به صفحات یکصدو چهل و شش تا یکصدو چهل و نو کتاب پر مغز پروفسور اولیانفسکی («مسایل معاصر آسیا و افریقا») حواله میدهیم. در عین حال این یاد آوری ما را بیشتر متوجه یك سخن دیگر **بنیاد گذار اندیشه مترقی** میکند که گفت انسان دارای یك ماهیت مجرد و یکبار برای همیشه نیست، بلکه ماهیت انسان مجموعه روابط و مناسبات اجتماعی دوران اوست، لذا مابین تکوین شخصیت از سویی و شرایط زمانی و مکانی زندگی انسانی از سوی دیگر رابطه مستقیم بر قرار است و چنان نیست که انسان دارای یك سلسله خصایص لا یتغیر باشد. **مختصات ارثی و نوعی تنها** در کالبد تاثیرات محیط اجتماعی است که میتوانند تبلور یابد و شکل گیرد.

معنای حرکت مطلق بسوی کمال و «شکل پذیری نسبی شخصیت در هر دوران» کهدر آغاز توضیح دادیم، شیوه دیگری برای بیان همین مطلب است.

از این مقدمه ناچار این نتیجه حاصل میشود که تنها در درون نظامی که در آن سیطره پول جای خود را به احیاء مجدد ارزشهای معنوی انسانی بدهد، حرکت مطلق بسوی تکوین شخصیت وارد اوج نوینی میشود، برخی ها به عبث (والبته بر اساس خواسته اندیشی) تصور می کنند که گویا اندیشه مترقی از «ارزشهای معنوی» و«تکوین شخصیت انسانی» چیزی نمی فهمد و خاطرش معطوف همان «خور و خواب و خشم و شهوت» جامعه های مصرفی بورژوایی است. باید این نوع انتقاد گران را مایوس کرد و گفت بحثی که اندیشه مترقی در مورد ماهیت انسان و تکوین شخصیت وی میکند از جهت عمق در تاریخ فلسفه بی سابقه است.

اینك این سوال پیش می آید: «آیا یك فرد انقلابی برای تکامل و بهسازی شخصیت خود چه کند؟»

ابتدا باید گفت که بنا به شیوه عینی گرایی اندیشه مترقی، ما هرگونه شعبده بازی های فرویدیستی و روشن های امریکایی اجراء «تمرین های مختلف» برای بهسازی شخصیت را اموری میان تهی میدانیم و بر آنیم که وظیفه انسان زحمتکش در درجه اول و مقدم بر همه از میان بر داشتن استثمار و استعمار و تفرقه ملی و نژادی و شیوه تفکر غیرعلمی و ضد منطقی از طریق مبارزه متشکل انقلابی است. زیرا تا این سنگهای دوزخی دامنگیر انسان است، پرش افلاکی او میسر نیست. «طیران آدمیت» که سعدی از آن سخن میگوید، فقط زمانی شدنی است که وی بتواند این سنگهای جهنمی را از دامن فرو ریزد. تنها در آن صورت شرایط برای تکوین شخصیت تا حدی که کار به «تجلی حقیر» نکشد، بلکه احساس عمیق رضامندی و آرامش وجدان ایجاد کند، پدید میشود.

ولی حتی تا قبل از پیدایش چنین نظامی، تلاش برای خود سازی باید انجام گیرد این تلاش از دو راه ثمربخش است:

بقیه درصفحه۴

در راه ایجاد امنیت و آرامش

(قسمت دوم)

ما با نقشی بر آب ساختن توطئه بزرگ و عمیقا پلان شده ارتجاع و امپریالیزم در سه و چهار حوت ۱۳۵۸ ضربه دندان شکنی بر پوزه این خفاشان وارد آوردیم. نقش فعال و انقلابی اعضا حزب، سازمانهای دموکراتیك و خارندوی، موضع استوار قوای مسلح انقلابیما و همکاری وسیع مردم وطن‌پرست ماتکیه‌گاه وسیع انقلاب ما را نمایان ساخت.

ارتجاع امپریالیستی درین پلان شوم خود هر دو جانب قضیه را در نظر گرفته بود: یك جانب قضیه روی این دیدگاه غلط او بنا یافته بود که گویا دولت انقلابی ما فاقد هرگونه تکیه گاه است و امیدوار بود با این توطئه آنرا سقوط دهد و یا متلاشی سازد. جانب دیگر آنرا چنین سنجیده بود که حتی در صورت ناکامی توطئه باز هم جوی خون براه خواهد افتاد آنهم از اطفال و مردم بیگناه که بزور اسلحه و تهدید از خانه های شان کشیده شده و در پیشاپیش دسته های مزدور جنایتکار حرکت داده می شدند و باین صورت بین دولت و مردم فاصله ایجاد کند.

ولی دشمن کور خوانده بود قوای امنیتی و دسته های متشکل و آگاه حزب وجوانان شجاع ما با خونسردی و هوشیاری انقلابی بی‌نظیر، این توطئه شوم را چنانخنثی کردند که دشمن به هیچکدام از مقاصد ناپاك خود دست نیافت و بالعکس باعث بهم فشردگی و نزدیکی بیشتر دولت انقلابی با هموطنان نجیب وشرافتمند ما گردید.

در مرحلهٔ بعدی دشمن **کوشید از یکعده معدودجوانان** معارف ما برای ایجاد بی نظمی استفاده برد. وقتی این تلاش هم ناکام گردید و جوانان فریب خورده ما بحقایق پی بردند، دشمن باروش غیر انسانی خود دست به مسموم ساختن جوانان و اطفال ما زد و باینترتیب خواست از آنها انتقام بکشد و یا اینکه از این راه دروازه های مکاتب و پوهنتون را مسدود سازد. بازهم بازنده دشمن بود، زیرا ماهیت جنایتکارانه او از عقب ماسك «دفاع از اسلام» و «دفاع ازحقوق بشر» نمایان و افشا گردید.

این تنها موردی نیست که در آن چهره حقیقی این ابلیسان انسان نما آشکار می شود، بلکه کشتن اطفال و زنان، مردان وپیران مسلمان ما آتش زدنهای مکاتب، مساجد منازل، شفاخانه ها و کتابخانه ها، تخریب راه ها ووسایط ترانسپورتی، باتش کشیدن یا چپاول اموال و امتعه تجارتی از وسایط نقلیه و دوکانها، تخریب کارخانه ها و کارگاه ها، تاراج و یاسوختاندن خرمنها، از بین بردن مخابرات، باج گرفتنها، قطاع‌الطریقی ها، قطعه قطعه کردنانسانهای‌زنده **گوش بریدن ها، پوست** کشیدن ها بردنوشهیدساختن مسلمانان متدین وخدا پرست از بین مساجد از نماز تراویح و حتی از جریان ختم قرآن عظیم ایشان و ... و .. همه و همه مواردیست که چهره های واقعی این ملعونان نامسلمان را افشا ساخته است. مردم ما این چهره‌های پلید را با سوابق شانخوب می شناسند.

آیا با این چهره های کثیف و چنین جنایات شرم آور ضد بشریت، باز هم می توانند ادعای «جهاد در راه اسلام»و یا «دفاع از حقوق بشر»را توجیه نمایند؟

آیا ازین کارترها و برژنسکی ها، تاچرها و **بیگن ها، هواخواهان ها** پرسیده می توانیم که‌از چه زمانی هوای «دفاع از اسلام» بسر شان زده و چرا؟

ما باین آقایون عالیجناب میگوییم:

آنچه علیه ملل آسیا، افریقا و امریکای لاتین در راه غارت ثروت و هویت مستقل ملی شان انجام داده اید، تلاشهایکه در راه برده ساختن ملل از طرق نظامی سیاسی، اقتصادی و کلتوری بکار برده اید، کوششهایکه‌برای تحریف و تغییر عقاید مذهبی ملل از طریق فرستادن مسیونهای تبلیغ مسیحیت منجمله با فغانستان و دیگر کشور های مسلمان مبذول داشته اید، چطور باادعاهای پوچ و دروغین «دفاع از اسلام» و «حقوق بشر» شما جور می آید؟

تهدید مداوم‌صلح‌جهانی و تمامیت‌ارضی‌کشورها، جنگ افروزیها و صدور حکم فنا و نابودی ملت مسلمان وعدالت پسند فلسطین را بکدام اصل انسانی و اسلامی توجیه کرده میتوانید؟

بگذارید از سادات ها و ضیاالحق ها، این منافقین مسلمان نما پرسشی بعمل آوریم.

عالیجناب سادات! زمانیکه حلقه بندگی سی آی ای را بگوشت آویختی مسلمانیت **کجا بود؟** **(باقیدارد)**

نامه های مردم

محترم محمد ابراهیم‌محصل‌صنف سوم پوهنحی‌فارمسی پوهنتون کابل و عضوسازمان‌اولیهٔ آن پوهنځی طی‌نامه یی به ((حقیقت انقلاب ثور))نوشته است: نشر جریدهٔ «حقیقت انقلاب ثور» ارگان‌کمیتهٔ مرکزی حزب دموکرتیك **خلق افغانستان با استقبال** زیاد رفقای حزبی ودوستان **حزب ودولت‌مواجه شده‌است.**

بدون تردید ((حقیقت‌انقلاب‌ثور)) در بلند بردن سطح دانش وآگاهی رزمندگان‌حزب وعلاقه مندان آن، هم زمان با دیگرنشرات حزبی‌ودولتی با پخش مسایل تیوریك وعلمی، رسالت تاریخی خویش را انجام خواهد داد.

ازین دوست گرامی خود تشکر نموده منتظر نامه های بعدی شان میباشیم.

همچنان نامه یی در یافت‌داشته ایم از میر عیسی‌سرباز غند ٦٥ قوای غزنی که طی‌آن هم مسلکان و هموطنان خویش را مخاطب قرار داده‌مینویسد:

امروز روز امتحان است، سربازان، خرد ضابطان و افسران مایقین دارند که ازین‌امتحان مهم وبزرگ موفق به در می آیند. دشمنان‌شرف وحیثیت ما، از خارج بر کشور عزیز ما تجاوز میکنندومابه آنها ضربات کشنده وارد میکنیم. حالا دیگر قدرت‌آنرا ندارند که در برابرقوای مسلح قهرمان افغانستان‌انقلابی باز هم مقاومت کنند. من در چندین عملیات‌بر ضداین اشرار فرومایه اشتراك نموده برآنها تلفات زیادوارد کرده‌ام. بودن در جبهات جنگ از بهترین لحظات‌زندگی من‌است. **انسان ازمادر قهرمان به وجود نمی آید**، بیایید حال که وطن ما مورد تجاوز دشمنان قرارگرفته‌درین‌قهرمانیها شریك شویم ونام های خودرا جاودان سازیم.

ماشجاعت واحساس عالی‌وطنپرستی این سرباز دلیر را تحسین نموده موفقیت‌وی وسایر همسنگرانش را در نبرد علیه دشمنان میهن‌ومردم خویش آرزو مندیم.

تغییر نظام دولتی

انقلابات‌ملی-دموکراتیك‌ودولت:

(قسمت دوم)

بنیاد گذار اندیشه مترقی، «در هم شکستن ماشین بروکراتیك و نظامی دولتی» **و تعویض آن به سیستم دولتی نوین** را، شرط مقدماتی هر انقلاب مردمی واقعی در قاره (در اروپا مستثنی ازانگلیستان در آنزمان) تلقی می نمود.

درین تذکر، به‌گفتهٔ رهبر کارگران جهان دو نکته‌عمده وجود دارد. اولا اینکه حکم «انهدام ماشین دولتی حاضر آماده» محدود می شود به‌قاره و ثانیا اینکه، شرط مقدماتی هر«انقلاب مردمی واقعی» دانسته شده، **لاغیر**.

بنابرین ضرور است تصریح شود که تحلیل‌مرحله عینی انقلاب و چگونگی آن، که‌مشمول واقعیات نظیر سطح رشد نیروهای مولده، تناسب طبقاتی، مناسبات اقتصادی و عوامل‌ذهنی است به ما اجازه می دهد که در انقلابات ملی ـ دموکراتیك با دقت بیشتر بر خوردنماییم.

این شرط مقدماتی در «انقلابات مردمی واقعی» طرح است و هدف از این انقلابات، انقلاب هایست که در مرحله گذار به جامعه نوین توده های خلق در انقلاب بطور فعال مستقل وباخواست های اقتصادی و سیاسی مشخص بر آمد مشهودردارند. شاید سوال شود که چرا نمیتوان در هم شکستاندن دولت وبالنتیجه ایجاد نوع تاریخی جدید دولت را همیشه هر کجا و بلا استثنا طرح کرد؟ بخاطر یکه طرح مساله بسته به‌نضج‌انگیزش‌ها **وتضاد های طبقاتی تشکل** طبقه کارگر و زحمتکشان و آگاهی آنان و تمایلات‌عمومی جامعه است. یعنی مجموعه زمینه های عینی و ذهنی‌ضرور لازم است تا بتوان چنین مساله را طرح کرد.

در خواست اجرای پروگرام انقلاب سوسیالیستی از انقلاب ملی‌ـدموکراتیك ذهن گرایی‌و غلطیدن به‌گرداب ولونتاریزم وماجراجویی است و بقول رهبر کارگران جهان طرح نیمه انارشیستی است.

نویسنده کتاب دوتاکتیك ...» یاد آور می شود که:

«اگر کارگرانی در موقع از ما بپرسند، چرا، نباید بر نامه حداکثر را اجرا **نماییم، مادر پاسخ متذکر** خواهیم شد که توده های مردم که دارای تمایلات عمومی دموکراتیك هستند هنوز از جامعه گرایی خیلی دورند .... و هنوز پرولتاریا متشکل نشده است».

اما قابل تذکر است که انقلابات ملی ـ دموکراتیك بخصوص انقلابات که نقش زحمتکشان در آن چشمگیر تر است، حاکمیت سیاسی نوینی را استقرار می بخشد که بتدریج به نوع تاریخی جدید دولت تحول میبابد. یعنی مساله «عدم انهدام فوری» ارگان های دولتی گذشته به معنی تکمیل ماشین کهن‌دولتی نبوده، بلکه این گفته به این معنی است که همروند با تعمیق سمت گیری مترقی و ژرفای تحولات انقلابی، دگرگونی نظام دولتی به تدریج عملی می شود نه یکباره مانند «انقلابات مردمی واقعی».

نتیجه منطقی این بیان، مردمی کردن دولت در برهه زمانی معین میباشد که بدینگونه مکانیزم دولتی کهن به سیستم جدید اداره دولتی تعویض می گردد وگام به گام در یك پروسه تدریجی عناصر نوین مردمی با ماهیت نوین دردولت وارد می گردد.

پذیرفتن اصول متذکره مولود در نظر گرفتن واقعیات عینی و اجتناب از برخوردهای ذهنی درزمینه می باشد.

انقلاب افغانستان، به‌مثابه انقلاب ملی‌ـدموکراتیك، چگونه ماشین اداره دولت را در خدمت مردم قرار می دهد؟

به این سوال متناسب به خصوصیات و مرحله تکاملی جامعه، که در شرایط نظیرِ کشور مانیز مصداق‌دارد، رفیق ببرك كارمل چنین پاسخ داده اند:

«رهبری حزب مصمم است که با تمام قدرت و انرژی خوداین ماشین‌فرتوت را ... اصلاح کند.

و ماشین اداره دولت افغانستان را باید در یك مدت معین در خدمت خلق قرار دهد.»

قبل ازانقلاب، دولت های گذشته افغانستان ماهیت واحد طبقاتی داشتند و در اشکال گوناگون، به‌عنوان افزار حاکمیت سیاسی اقلیت **استثمارگر، ادای خدمت**گزاری به آنان را بر دوش حمل می نمودند.

قدرت دولتی‌طبقات حاکم از طریق عمال و خاندان های مزدور آنان که در راس دستگاههای دولتی قرار داشتند اعمال می گردید. این قشر مزدور رجاله‌های سیاست پیشه و فروخته‌شده را نیز در بر داشت.

تسلط این اقشار مزدور ووابسته به طبقات حاکم در طول زمان منجر به رویش جوانه های نوعی بورژوازی بوروکراتیك در کشور گردید که حزب، این قشر را در ادبیات خود بنام بوروکرات های بزرگ یاد نموده است.

حاکمیت طبقات حاکم و اعمال این حاکمیت بوسیله خاندان نادری و پیدایش رجاله های مزدور به آنان نتایج دیگری را در زمینه نظام دولتی نیز پدید آورد، از قبیل تزاید تحجم دستگاه اداری، افزایش نسبی کارمندان دولتی، رشد بی مورد موسسات در شکل تضاعف خدمات مقررات کهنه متعدد وپیچیده، روش های فرتوت اداری از جمله فساد بوروکراتیك افزایش امتیازات کارمندان اداری ونظامی، مشکلات استخدام افزایش بیهم بودجه های مصرفی و غیره.

(ادامه دارد.)

سرور جویا: شیرمردی که بخاطر توده‌ها می نوشت

درین روز های پر ثمر که به شایستگی نویسندگان و شاعران ارج گذاشته میشود، بیجا نیست از «سرور جویا» این یار توده های زحمتکش یادی نماییم .

سرور جویا یکی از قلمزنان وسخنورانی است که ذکر نامش در دوران سیادت رژیم‌های قبل‌ازانقلاب گناهی‌بزرگ به شمار می‌رفت .

جویا درسال ۱۲۷۷ درکابل تولدشد و پس از آموزش مبادی دانشهای‌مروج زمانش کار اداری‌را از پدرش که سر رشته دار دفتر سنجش افغانستان بود ، آموخت‌در سال ۱۲۹۸ به همراهی‌پدرش به محاذ‌سپین بولدك قندهار شتافت . او خامه رابرزمین‌نهاد و شمشیر را بر کف گرفت و به دفاع از ناموس وطن پرداخت جویا تا سال ۱۳۰۱ درقندهارماند و هنگامیکه به زادگاهش بر گشت و درشمار منشیان امان‌الله خان در آمد .

«فریاد» و«اتفاق اسلام»درروزگاران نگارندگی او جریده یی است با محتوای انسانی که آزادیخواهی در سر لوحهٔ آرمانهای آن قرار دارد.



سرور جویا نویسنده و شهید راه آزادی

بالاخره‌زمانی درظلمت‌شب از دست دژخیمان قدر نشناس مجروح گردید اما جویا از همان شفاخانه پیامش را در «اتفاق اسلام»چاپ کرد و نوشت :

سرور اگر کشته شود ازحنجرهٔ بی سراو ،نداهای ترقی افغانستان به آواز بلندمترنم خواهد شد .

ولی جویا از شوروشر دست بر نداشت تا اینکه در سنبله ۱۳۱۲ فرمان دادندکه جویا را بگیرند و جویا را گرفتند و پشت میله های‌زندان انداختند .

چارده‌سال‌زندان کوچکترین‌تاثیر منفی‌بر اندیشه های انقلابی او نگذاشت .

جویا درسال ۱۳۳۰ با ۱٦تن دیگر از روشنفکران به زندان افتاد و تاپایان زندگی‌در سلولهای محبس سلاله نادری پابیرون نگذاشت

خون ناحق دست از دامان‌قاتل برندا‌شت

دیده باشی‌لکه های دامن قصاب را

نکاتی ازبیانیه اساسی کنگره‌موسس اتحادیه نویسندگان و شاعران ج.د.ا

رفیق منگل عضو کمیته مرکزی ومسئول سازمانهای اجتماعی ضمن ایراد بیانیه اساسی کنگره موسس نویسندگان و شعرای ج.د.ا ابراز داشت :

امروز روز فرخنده و فراموش نشدنی‌در حیات فرهنگی مردم زحمتکش و قهرمان افغانستان میباشد ، در تاریخ باستانی‌و پر غنای ادبیات میهن بسیار گرامی ما اولین بار است که‌سخنوران و نویسندگان کشور دراولین کنگره خود جمع آمده اند تا اتحادیه داوطلبانه خلاق و دموکراتیك نویسندگان کشور را ایجاد نمایند ، این پدیده تاریخی تنها درنتیجه پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین تکاملی آن‌امکان پذیر گردیده است .

انقلاب سوال اساسی را برای هر یك ازنویسندگان مطرح نمود ...

محك قضاوت در مورد شخصیت هر نویسنده و شاعر امروز موضعگیری او در برابر انقلاب و ضد انقلاب میباشد، مایه خوشنودی است که اکثر نویسندگان افغانستان امروز در صفوف اول سنگر های انقلاب قرار دارند و همراه با مردم و حزب خود کار و پیکار می کنند .

آفرینش قهرمانی که زندگی رازیبا می بیند ، خون انقلاب در رگهایش جاری است . به میهن آزادو سربلند خویش عشق می‌ورزد ومدافع مطمئن انقلاب است کار نویسندگان کنونی‌ماست .

ما در شرایط دوران‌سازی زندگی داریم ، همراه بتحولات جامعه انسان نیز تحول می پذیرد . ضرور است تا انسان تحول یافته و نو با همه بزرگی و عظمتش با همه ابعادش به مثابه فرزند انقلاب و قهرمانی مثبت‌تصویر گردد که در راه خوشبختی و سعادتمندی توده های میلیونی زحمتکش را از قفای خویش بخواند...

در هر قدم در هر شهرو‌ده در فابریکه و کشتزار در زمینه اموزش و پرورش و امور صحی همه جا مبارزه بی‌امان علیه ضد انقلاب صورت می گیرد . این موضوعات برای ترانه ها وسرود های آینده برای رمانها و قصه های کوتاه و نمایشنامه ها بصورت‌پایان ناپذیر مایه میدهد .

ادیبان ارجمند !

چنانکه ملاحظه میفرمایید ادبیات ما وظایف بزرگی را بعهده دارد به اجرای وظایف مذکور اتحادیه نویسندگان جمهوری دموکراتیك افغانستان که اکنون بعد از اتحادیه ژورنالستان و اتحادیهٔ هنرمندان با ابتکار حلقه های وسیع روشنفکران و پشتیبانی‌کامل‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ایجاد میگردد مساعدت خواهد کرد .

وظیفه اتحادیه نویسندگان کمك به هر نویسنده جهت فهم صایب وسالم حقایق زندگی و اندیشه شناخت در مورد پروسه های مهم انقلابی جامعه ما و گذاشتن توانایی های خویش در دسترس استفاده جامعه خواهد بود .

دراتحادیه ما فرمانبری و فرماندهی نخواهد بود ، در فضای احترام متقابل وحس رفاقت خدشه ناپذیر دست در دست هم بسوی آینده تابناکی که انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله دوم تکاملی آن وعده میدهد گام خواهیم

(ص٤)

انقلاب

آن یکی آمد زمین را می شگافت
ابلهی‌فریاد کرد و بر نتافت
کاین زمین را از چه ویران می‌کنی
می شگافی و پریشان می کنی
گفت ای ابله برو بر من مران
تو عمارت از خرابی بازدان
کی شود گلزار و گندمزار این
تا نگردد زشت وویران این زمین
کی شود بستان و کشت و برگ وبر
تانگردد نظم او زیر و زبر
تانکوبی گندم اندر آسیا
کی شود آراسته زان خوان ما
پاره پاره کرد درزی جامه را
کس‌زند آن درزی علامه را ؟
که چرا این اطلس بگزیده را
بر دریدی چه کنم بدریده را ؟
هر بنای کهنه کاباداں کنند
نه که اول کهنه را ویران کنند ؟
ظاهراً کارتو ویران می‌کنم
لیك خاری را گلستان می کنم

(مولوی جلال الدین بلخی)

درحاشیهٔ کنگره

خبر نگار «حقیقت انقلاب ثور» ضمن اشتراك در کنگره موسس نویسندگان و شعرای ج.د.ا. باعده‌یی‌از شاملین کنگره مصاحبه نموده اسنت که متن آن تقدیم میگردد .

از استاد علی اصغر بشیر هروی‌منجم و نویسندهٔ کشور پرسیده شد تا رسالت نویسنده و شاعر امروز رادر شرایط کنونی کشور توضیح نماید وی گفت :

نویسندهٔ و شاعر امروز ، آنچه‌هست باید همان را در اثر خود نشان بدهد و نویسنده و شاعر امروز بایدآینهٔ تمام نمای عصر خود باشد .

و نظر خود را در مورد تاسیس‌اتحادیه نویسندگان و شاعران کشور چنین بیان نمود .

تاسیس اتحادیه نویسندگان وشاعران کاریست بس سودمند ومفید

ـ از کریمه طهوری شاعره‌جوان سوال شدکه بنظر شما نویسنده و شاعر امروز در برابر انقلاب ملی‌و دموکراتیك ثور چه رسالت دارد در پاسخ گفت :

ـ نویسنده و شاعر امروز رسالتی‌که در برابر انقلاب شکوهمند ثور دارد ، فقط انعکاس دادن حقایق انقلاب ثور است در آثار شان که در جهت حفظ دست آوردهای انقلاب‌قرار بگیرد.

ـ یونس سرخابی ، نظر خود را در مورد نقش اتحادیه نویسندگان و شاعران کشور در حیات ادبی مردم ما بیان نموده گفت نویسنده و شاعر امروز کشور باید در مورد آنچه می‌آفریند بالای خود حاکم باشد .

آنها باید در شرایط کنونی رسالت‌عظیم انترناسیونالیستی خود را به خاطر داشته باشند .

او درباره تدویر کنگره نویسندگان‌وشاعران گفت :

این مربوط به آینده خواهد بود که‌تا چه حد مورد استقبال جامعه قرار می گیرد اما همین قدر گفته می توانم‌که این کنگره در تاریخ ادبی کشور بی سابقه بوده است .

(ف.ط. خبرنگار«حقیقت انقلاب‌ثور»)

نویسنده، شاعرودو دیدگاه

انسان با هنر همزاد است . و از آن میان با شعر با ادب . به گفته هانس زاخیس ، شاعر آلمانی : «هنر ومردم ، همپای هم رشد می کنندو به‌مقام رفیعی می رسند .»

از هنر گریزی نیست . این ضرورت است که نه تنها در گذشته ، بلکه در آینده نیز وجود دارد . این ناگریزی، هنرمند و نویسنده وشاعر رادر موقعیت بی حصرویژه‌یی قرار می دهد .

همین ناگریزی وضرورت از دیدگاه بورژوایی ودیدگاه مترقی تفاوت دارد : سرمایه داری باپیدایش خود ، همه چیز را «کالا» ساخت. وتاسرمایه‌داری پیش رفت هنرمند و بالاخص شاعر و نویسنده را درمتاع بعت رقابت با زار کشانید.

سرمایه داری هنرمند ، نویسنده و شاعر را ،اغلب در شخصی جلوه داد که‌می گفت :«چه موهبتی است ، زیستن !»

در گرد باد مناسبات کالایی ، هنر، شکل پیشه یی نیمه رمانتیك ونیمه تجار گرفت و نویسنده و شاعر تبدیل‌شد به‌نویسنده و شاعر «آزاد» و شخصیت «آزاد». منتها آزادی پوچی وتنهایی .

چرا ؟ بخاطر یکه : سرمایه داری ، متضمن محاسبهٔ هوشیارانه وحسابگری دقیق بود . ودر پس بینش سرمایه داری نسبت به موقعیت هنرمند و نویسنده «آزمندی»فرومایه وحسابگری دقیق نهفته بود.»برای سرمایه دار مقدس ترین واژه «سود» است . سرمایه داری همه پدیده ها را از زاویهٔ منفعت نگاه می کند.

گرچه نویسنده و شاعر دوران انقلاب های بورژوایی ویا انقلاب های بورژوا ـ دموکراتیك ، با ذهنیت متفاخر ، پیامگوی وپیامگزار آزادی ، برابری وبرادری بود ، پسان هاتناقض درونی نظام سرمایه داری وناشی از آن «بیگانگی هنری» ، اکثریت‌ویاالا اقل بخش عمده هنرمندان و ـ نویسندگان را به واقع گرایی وانتقادکشاند وآنان را به‌سکوی آینده نشانید .

سوال اینجاست که موقعیت نویسنده و شاعر وبطور کلی هنر وادبیات‌از دیدگاه مترقی چگونه است ؟

(باقیدارد)

نویسندگان وشاعران وطنپرست! تمام نیروی اعجاز انگیز معنوی تانرا صمیمانه درخدمت مردم وانقلاب قرار بدهید

شکست‌ناپذیری جنبش های رهایی بخش

(قسمت هفتم)

این مقاله تصویری است‌از وخامت بحران عمومی‌سیستم سرمایه داری‌ورشد روند انقلاب در جهان‌که‌شامل‌کلیه جنبش های رهایی‌بخش‌وجریانهای گوناگون‌مبارزه در راه برقراری جامعه‌نوین‌فارغ از ستم ملی واجتماعی‌می باشد . بوریس پوناماریف منشی کمیته مرکزی حزب‌کمونست اتحاد شوروی‌کاندید دفتر سیاسی نگارنده مضمون نشان‌میدهدکه جنبش رهایی بخش جزءلاینفك روند عینی تحول وتوالی فورماسیونهای اجتماعی ، اقتصادی است وآشکار میسازد که استقرار سوسیالیسم محتوی اساسی‌همه مبارزات دوران معاصراست.

به ویژه اکنون که تهدیدسلاح های هسته ای ، که تصور پی‌آمدهای فاجعه‌باران دشوار است ، به بلای معمولی ناشی از جنگ‌ها افزوده می شود . احزاب کارگری درگیر مبارزه ای‌پی گیر سرسختانه ومصمم بر علیه جنگ اند .

واقعیت های زمان ماتئوری نادرست پیوند ناگزیر میان انقلاب و جنگ‌را که ازسوی ایدیولوگ های ضد ترقی نشر داده می‌شود رد می کند. در کوبا انقلاب زمانی روی داد که‌کشور درگیر جنگی خارجی نبود . انقلاب شیلی نیز به همین سان انقلاب اخیر در افغانستان و ایران نیزارتباطی با جنگ نداشتند .

به خاطر بیاوریم که شعارهایی که انقلاب کبیر اکتبر با آن ها پیروز شد ، نه تنهاسوسیالیستی بلکه صلح طلبانه بودند . نخستین فرمان‌حکومت شوروی صلح و اصول روابط صلح آمیز میان‌ملت ها را اعلام می داشت . تنها سوسیالیسم بیانگر نوع کاملا نوین روابط بین‌المللی بود .

با پیروزی انقلاب اکتبرچشم انداز واقعی استقرار روابط صلح آمیز میان دولت‌ها برای نخستین بار پیش روی بشریت گشوده شد .

بیست و پنجمین کنگره‌حزب کمونیست اتحاد شوروی تاکید کرد که گذار از جنگ سردبه وخامت‌زدایی پیش از همه با دگرگونی‌های ژرف در تناسب نیروهای جهانی به زیان امپریالیسم‌و امکان آن برای جنگ افروزی در رابطه است .کلیه فعالیت های حزب‌ما و حکومت شوروی در زمینه‌سیاست خارجی و برنامه‌صلح کنگره های بیست‌و چهار و بیست‌و پنج به نحوی زنده گواه بر مبارزهٔ پی گیر ودشوار کمونیست ها و مردم‌شوروی برای اجرای اصول‌لنینی همزیستی مسالمت آمیز است .

سوسیالیسم ، طبقه‌کارگر جهانی و نیروهای رهایی بخش ملی به منزله عاملی قاطع در باز سازی بنیادی کل سیستم روابط بین‌المللی بر پایهٔ اصول صلح و دموکراسی عمل می کنند .

صلح و وخامت زدایی این امکان را برای ملت ها پدید می آورد که تلاش های خود را نه بر مسابقهٔ تسلیحاتی‌بلکه بر حل مسایل مهم اجتماعی و جهانی که در اوضاع و احوال کنونی دم به دم‌فوریت بیشتری می یابند متمرکز کنند .

زندگی دگر باره و دیگر باره موید درستی این نتیجه گیری کنفرانس ۱۹۷٦ احزاب کارگری در برلین است که سیاست همزیستی مسالمت آمیز همکاری فعال میان دولت ها ووخامت زدایی در انطباق با منافع خلق ها و نیز امر ترقی برای همه‌بشریت است.

در این اواخر تلاش های سرسختانه بسیاری صرف این شده است که در رابطه با دگرگونی ها و رویداد های انقلابی در کشور های‌جوان رو به رو شد . افسانهٔ دروغین «دست مسکو» و «دسیسه های کرملین» اشاعه یابد .

اما علل واقعی دگرگونی‌های اجتماعی مهم در این بخش از جهان چیست ؟

پیدایش سیستم مستعمراتی پی آمد رشد سرمایه‌داری بود . سیستم اجتماعی مبتنی‌بر استثمار فرد از فرد به استثمار تمام ملت هاانجامید.در قرن نوزدهم تقسیم جامعه به طبقات ستمبر و ستمگر که‌مشخصهٔ سیستم بورژوایی‌درون یك کشور است بتقریبا تمامی جهان سرایت کرد :همه قاره ها قرارگاه‌مستعمراتی امپریالیسم شد.

بنیانگذاران مارکسیسم‌میان دو روند تاریخی ارتباط بر قرار کردند : رهایی‌طبقه‌کارگر از ستم بورژوازی از یك سو و مبارزه ملل ستم‌دیده بر علیه استعمار ازسوی دیگر لنین تاکید می‌کرد که :

استقرار سوسیالیسم به‌جای سرمایه داری دوران تاریخی است که «رشته کاملی‌از جنبش های دموکراتیك و انقلابی و از آن جمله‌جنبش‌رهایی بخش ملی در کشور های رشد نیافته عقب مانده‌و ستم دیده را در بر می ـ گیرد .»

در برنامه حزب کمونیست‌اتحادشوروی آمده است:

«امپریالیسم استقلال‌ملی و آزادی اکثریت خلق‌ها را پایمال کرده و زنجیر های‌اسارت استعمار ددمنشانه‌را بر پایشان زد لیکن ظهور سوسیالیسم سر آغاز‌دوران رهایی خلق های ستم دیده‌است .»

در گذشته همه ملت ها ،به اراده و عمل کشور بورژوازی جهانی به برده‌بدل شدند : امروز به‌خواست خلق های این کشورها .مستعمرات به صورت‌کشور های مستقلی در آمده اند .

(باقیدارد)

فتنه در خلیج

از همان اوایل ماه اپریل که مجمع الجزایر شناور امریکایی در دهنه خلیج فارس تا کهان سبز شد ناظران نیز بین امور بین المللی معتقد بودند که این طیاره بردار هابرای تفریح نیامده اند و کاسه یی زیرنیم کاسه هست .

از آن تاریخ تاحال بیشتر از پنج ماه گذشت و ساحل داران خلیج‌درین مدت متوجه بودندکه اژدهای نفت خوار ازجانه جنبید ولی هرگز بخواب نرفت.

درست سیزده روزپیش شفق داغ درحالیکه خلیج آرام ترین سپیده دم خودرا آغاز کرده بود و فقط صدای حرکت امواج سکوت‌را مــی شکست ناگهان ساحل داران متوجه شدندکــه تیوپ های چشم های الکترونیك از کشتی های امریکایی به آسمان بلند شد ودو پایه رادار کامپیوتری به چرخ زدن آغاز کرد .

ساعتی بعد غرش گوش خراشی‌فضا راپر کرد و فتنهٔ خلیج دیگر واقعاً آغاز گردیده بود .آتشی در گرفت و امپریالیزم شروع به گرم کردن‌دست های خود نمود حقیقت اینست کـــه نقشه کشان امپریالیست پس ازآنکه ملت ایران مجسمهٔ استبداد انسان کش شاه رضا را زمین زد وهیبت کذایی ژاندارم منطقوی دروجود امپرا طـوری خونریز شاهنشاهی در توفان قهر خلق ایران نابود گردید و پس از آنکه خلق های رزمندهٔ عرب دسیسه جیمی کارتر رادرکمپ دیوید به مثابه زباله متعفن افتضاح‌و رسوایی بکلی منفرد و بـی پشت و پناه ساختند ،زیر نقشهٔ خلیج خط تاییدی رسم کردند که اینك ماه‌ها بعدعملی شد .

تحلیل کنندگان سیاست بین المللی می گویند که گروپ ضربتی متخصصین فتنه سازی در واشنگتن از تلاطم آبهای خلیج قرار معلوم چهار هــدف عمــده داشته اند .

۱ـ اینکه اگر بتوانند با بالا کردن گرد باد جـنگ انقلاب اسـلامـی ضد امپریالیستی ایران رابه جزای گستاخی آن رسانیده و از درون منفجرو باکله به‌کله ساختن ارتجاع درونی همــراه ژنرالان وطن گریخته شاه که حالاروی پنجه های پامنتظر فرصت نشسته اند شیطان دیگری را در تهران تاج پوشی نمایند.

۲ـ دو ملت عراق و ایران راکه هر دوی آنها بمثابهٔ وزنه های سنگین در کفهٔ ضد امپریالیزم بین المللی ترازوی بیلانس نیروها را در شرق عرب وآسیای غربی یك بغله ساخته اند ضعیــف نماید .

۳ـ به جهان نشان بدهدکه تجاوزو اشغال گری اسرائیل تنها منبع تشنج برهم زنندهٔ آرامش و انبار باروت در شرقمیانه نیست و نبایددوام اشغال‌گری تل ابیب را بحیث تنها محراق ملامت جهان قبول کرد .

٤ـ اینکه اگر یکی‌ازدو طرف متحارب ویاهردوی ان زیر فشار خرد سده‌یی ضربات طرف دیگر اسهم رمانیده عصلات جنجی اس به سوورس‌افند،اپرر ودخایرس نمام سود به «دلال برر ت» روی‌آورد.

تصادفی نبود که در اولین تبصره های خود مراکز سیاسی واشنگتن، قاهره و تل‌ابیب سری برسبیل تاسف تسور دادند و بعد گفتند که بیطرف خواهند ماند. ولی چهار پنج شب نگذشت که پنتاگون متوجه شد که هردو طرف بــه سختی «لوله های مقدس» را میکوبند، ناگهان وضعیت عمومی را طوری یافتند که در نقشه‌عمومی فتنه به‌حساب‌گرفته نشده بود .کش و گیر شدید تر شد جریان نفت به نفتخواران صدمه‌دید و انتظار جنرالان‌کوك شده طول کشید.

امپریالیزم عالمخوار امریکا دیـــگر بیطرفی بنام خود را حتی در ظاهرصحنه هم حفظ کرده نتوانست جاسوس های میکانیکی آواکس (طیارات مرکوب‌رادار های حساس) رابه عربستان سعــودی همراه با سیصد تکنیشن امریکایی تحفه داد. بر تعداد جهازات از جمله جهازات طیاره بردار خود افزود و مقدمات مرحلهٔ هولناکی را تدارك دید و آن اینکه آنچه را از جنگ بظاهر «خود بخودی»دو ملت برادر حاصلش نشدازراه دخالت مستقیم عسکری به بهانهٔ بندش احتمالی تنگهٔ هر مز بدست آورد .این خطر ناکترین مرحلهٔ کشمکش است که ستراتژیست های واشنگتن با عجله می خواهندپای منطقه را بطرف آن بکشانند .

اینکار بنام دفاع از «مناطق حیاتی» ایالات متحده و متحدین غربی آن صورت میگیرد ،مناطقی که (۱٦) هزار میل از خاك امریکا دور ترست .

با چنین یك تصویر عمومی جنگ خلیج باتمام وکمال ادامه دارددوکشور برادربجان هم افتاده‌اند وسینهٔ هــم رامیشگافند طوریکه یك طرف ثالث یعنی همان شیطان بزرگ از آن نفع خواهد برد .

خلقهای انقلابی ، نیرو های صلح‌و دموکراسی سخت چشم به راه برقراری مجدد صلح ،صلحی عادلانه‌و واقعی‌درین بستر جدید تشنج‌درخلیج‌اند.و انتظاری جز آن ندارندکه‌دو جانب متحارب نیزه هارا بزمین فروببرند و آنچه‌راکه امروز نمی توانندحل کنند، فردا که خشم‌ها فروکش کردحل‌نمایند،جنجال برانگیزندهٔ جنگ هرگز به قیمت خونریزی باچنین وسعت ابعاد نمی آرزدو اگرتدبیر و هشیاری معیار قرار بگیرد فهم این‌مطلب حتی‌در میدان جنگ هم آسان است که هرکجا تشنج‌و فتنه‌است در پشت آن امپریالیزم امریکا قرار دارد .

(بقیه صفحه ۲)

عوامل عینی وذهنی...

او لـاز را ه شر کت در مبارز ه اجتماعی یعنی تــلاش برای بیرو ن آمد ن از دایر ه تنگ و جود خود و پیو ستن سر نو شت خود با سر نوشت نوعی مبارز ه پالا یشگر است و روح را تقو یت میکند و مغز را بسط مید هد و شخصیت می آفر یند .

دو مـاز را ه خود آموز ی و خو یشتن ساز ی و قبو ل نظار ت جمع و انتقاد جمــع بر خود برای شنا خت خود و تکمیل معنو ی خود .

انسا نها هما نطور کــــه «دیگری» را نمیشنا سند (زیرا آدمی مو جودی است بسیا ر بغرنج) ، گاه خود را هم نمی شنا سند، تنهادرعمل ،آنهم‌نه در عمل تنگ زندگی خصوصی بلکه در پرا تیك نبرداجتماعی شخص به عیار خود پی می‌برد و حدود واقعی شخصیــــــت انسا نی و انقلا بیش بر خود وی روشن میشود .به این‌روند خود شناسی ، نظر و انتقا د دیگرا ن ، هر قدر هم تلــخ یا ناروا باشد (البته نقاد باید از تلخی و نارواپی بپرهیز د) کمك میکند .

روندمبارزه علیه‌نقایص‌و معایب خود یعنی آنچه که نبر د علیه خود نا م دارد ، به منظو ر ی غلبه بر خود و اجرا نظار ت بر خویشس و نیل به مقا م «کف‌نفس» و خویشتندا ر ی روندی است طولانی‌و دشوار.

«خو یشتندار ی »مقو لــه مر کزی است. خو یشتندار ی یعنی اراده محکم مقاو مت در مقابل آنچه که‌دل می خوا هد ولی عقل اجتما عی آنرا ناروا میداند.

خویشتنداری یعنی جا نشین کردن حکم«میخواهم » با حکم «وظیه دارم». البته مادر ویش و مرتا ض نیستیم و بسیار ی از خوا ستها ی غریز ی مـا ضد اجتماعی یا ضد اخلا قی نیست ولی بسیــــــار ی از خوا هشها ی غریز ی ما ضد اجتماعی و ضد اخلاقی است . باید تشخیص داد و توا نست درقبال خواستهای غر یــزی ضد اخلاقی‌و ضد اجتماعی ، هر قدر هم که انگیز شس آن‌در روج مانیرو مند باشـــــد ، ایستادگی نشان داد . هـــر پیروزی بر خو یشس مو جب اعتلاء شخصیت و اعتماد به تفس است و انسا ن ها را به دژهای مخکم ، به‌صخره های رخنه ناپذیر بدل میسازد . ترجمه یك شعر رمن رو لا ن نو یسند ه فرا نسو ی در این زمینه چنین است .

اگر بر خویشس خوا هــی
گشت پیروز
به ضد خود نبرد ی کن دل
افرو ز
پسس از آنکه میرسد آ خر
فرا جنگ
هر آن صلحی که باشدزاده
جنگ (ن . م)

تحولات اخیر جنگ عراق وایران

طیارات ایرانی‌همزمان‌بر بغداد،اردبیل وشهر بندری فاو، حمله کرده‌اند که‌در اثر آن ایرانی ها سه‌طیاره جنگی وچهار هلیکوپتر خودرا از دست داده اند.

همچنان ، طیارات عراقی چندین حمله رابر مواضع نظامی و اقتصادی در قلمرو ایران براه انداختند . در اثر ایــن حملات ، یك پل ویك دیپوی روغنیات ایران در شهر دزفول تخریب گردیده است .

طیارات عراقی ،یك حمله دیگر رابر تسهیلات ترانسپورتی سوسن جرد و پایگاه نظامی نزدیك دزفول بعمـــل آوردند .

یك اعلامیه‌نظامی‌ایران حاکی‌است‌که عساکر عراقی ازیك ساحه چهار صدو هشتاد کیلو متری عقب زده شده‌اند.

در اعلامیه آمده است که پریروزشش طیاره عراقی سقوط داده شده است.

به گزارش رویتر ازقول رادیوتهران عساکر ایرانی آماده اند تادر صورت حمله‌به سه جزیره خلیج، ازآن دفاع نمایند.

فرانسپرس گزارش میدهد، که محمد علی رجایی ، صدراعظم ایران گفته‌است فرستادن طیارات حامل رادار امریکابه عربستان سعودی حتی‌در صورتیکه این طیارات وارد عمل نشوند ،خطراتی را متوجه ایران ساخته است.

وی گفت : موجودیت این طیارات‌در قلمرو عربستان سعودی نشان دهنده این حقیقت است که امریکا در بحران خلیج اشتراك می کند. از جانب دیگر آیت الله خمینی رهبر ایران پریروز بار دیگر بر قراری متارکه‌رابا عراق‌رد کرده است .

از جانب دیگر ،کوشش هابــرای میانجیگری بین عراق و ایران ادامه‌دارد وبه همین سلسله پریروز ایسیدوروـ ملمیرکا وزیر خارجه کیوبا با ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور ایران در مورد بحران عراق وایران مذاکره کرد.

وی همچنان پیام فیدل کاسترو رهبر کیوبا رابه رئیس جمهور ایران تسلیم کرد .

گفته شده که سازمان آزادی بخش فلسطین نیز در صدد میانجیگری بین عراق و ایران برای ختم جنگ بین دو کشور می باشد .

یاسرعر فات رهبر سازمان آزادیـ بخش فلسطین‌که‌ازتهران و بغدادبازدید بعمل آورده با رئیس جمهور الجزایر مذاکرات مفصلی انجام داده و طرفین‌در این بحث شان به ضرورت یك اقدام عربی برای خاتمه بخشیدن به جنگ‌و خونریزی میان عراق و ایران تاکیــد ورزیده اند.

مصری‌هاسادات خاین رامحکوم میکنند

سعدالدین الشاذلی منشی عمومـــی جبهه وطنپرستان مصر سیاست تسلیم طلبانه رهبری مصر را شدیدا مــورد انتقاد قرار داده است .

وی درمصاحبه یی گفت‌که‌جبهه‌مذکور اقدامات وسیعی را به منظور ثبت نام نیروهای وطنپرست ملی در داخـــــل جمهوریت عربی مصر برای مبارزه علیه سیاست خاینانه سادات که مصر را واقعا بیك شریك جنایات اسرائیـــل تبدیل نموده براه انداخته است.

الشاذلی ضمن تماس به مساله اتحاد بین لیبیا و سوریه گفت این ابتکار یك گام مهم در جهت حفظ وحدت مردم عرب درمبارزه آنها علیه نقشه های امپریالیزم وارتجاع در شرقمیانه می باشد .

(ب)

واشنگتن برای مداخله نظامی درمنطقه خلیج آماده‌گی میگیرد

جبهه دموکراتیك برای آزادی‌فلسطین ایالات متحده امریکا را نسبت ارسال طیارات‌مجهز با سیستم های عصری‌رادار به‌منطقه خلیج شدیدا مورد انتقاد قرار داده است .

آژانس تاس گزارش میدهد که جبهه مذکور متذکر شده که ایالات متحـــده امریکا به بهانه حفظ ذخایر نفتی کشور های عربی بخش قابل ملاحظه قوای‌بحری خودرا در خلیج متمرکز ساخته است.

در بیانیه جبهه‌دموکراتیك برای آزادی فلسطین که‌در بیروت انتشار یافته‌گفته شده که تقویه نظامی امریکا دراین منطقه بیانگر آمادگی گسترده واشنگتن به‌منظور مداخله وسیع نظامی در امور داخلی منطقه می باشد .

(ب)

چارمین سیمینار آموزگاران سازمانهای حزبی

چارمین سیمینار آموزگاران گروه های آموزشی سازمانهای حزبی شهر کابل درتالار صحت عامه دایر گردید .

هدف از تدویر این سیمینار، آماده ساختن آموزگاران گروپ های سیاسی‌در ارتباط با موادپلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان برای پیشبرد دروس سیاسی در گروپ های تعلیمی حزبی می باشد .

در آغاز این سیمینار برید جنرال محمد رفیع عضو کمیته مرکزی حــزب دموکراتیك خلق‌افغانستان، عضوشورای انقلابی ووزیر دفاع ملی جمهوری دموـ کراتیك افغانستان‌بیانیه مفصلی درمورد دفاع از دست آورد های انقلاب ثورو سرکوب نمودن عناصر ضد انقلاب را در مرحله کنونی به مثابه یکی ازمبرـ مترین وظایف حزب ودولت ووجیبه عالی وطنپرستانه تمام‌اعضای‌اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیك خلق افغانستان خوانده گفت : وظیفه‌مبلغین و آموزگاران ملکی وعسکری اعضای حزب‌است ،تا در روشن ساختن ذهنیت‌مردم‌خاصتاً سربازان ازهر نوع‌وسایل دست‌داشته استفاده‌نموده در سرکوب اشرار و باند های ضد انقلابی پیش از پیش اقدام نمایند.

متعاقبا مسوول تیوری تبلیغ وآموزش کمیته شهری حزبی کابل گزارشی در مورد نتایج آموزشی در سنامه هــای پلینوم دوم کمیته‌مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان ارائه نمود .

در اخیر معاون کمیته شهری راجع‌به تدریس آموزگاران حزبی شهر کابل توضیحات داد .

(ب)

۱۵۰۰ خانوادهٔ عذابدیده به‌خانه هایشان برگشتند

یکهزار و پنجصد خانواده عذابدیدهٔماز ولایت بادغیس که در اثر شرایـــط ظالمانه واستبدادی‌سلطه حفیظ الله امین خون آشام و دار و دسته‌تروریستی وی به‌ترك منازل شان مجبور شده وبـــه کوه هافرار کرده بودند .اخیرا به‌خانه های شان برگشته و به زندگی مطمئن‌و سعادت مند خود ادامه میدهند.

ایشان سلاح های دست داشته‌خویش رابه ولسوالی بادغیس تسلیم نمودوبه خاطر آرام و مطمئن رهسپار منـــازل خویش گردیدند.

پشتیبانی از مصوبات پلینوم سوم‌ادامه‌دارد

به‌خاطر پشتیبانی از مصوبات‌سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و به منظور عملی شدن شعار وحدت حزب ، اردو ومردم محفل باشکوهی از طرف منسوبیـــن لیسه میخانیکی کابل در صحن آن لیسه ترتیب شده بود .

طی‌این محفل ، بعضی از استادان و شاگردان لیسه مذکور در باره اهمیت تاریخی فیصله های پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان توضیحات داده همبستگی همه نیرو های وطنپرست رادر جهت امحای کامـــل دشمنان انقلاب ثور آرزو نمودند.

سخنرانان اعمال خاینانه دشمنـــان انقلاب ثور راکه بدستور باداران‌خاین شان در راس امپریالیزم جهانـــخوار امریکا ،عظمت طلبان چین ، محافـــل ارتجاعی منطقه و نظامیگران پاکستان دروطن عزیز ما انجام میدهند افشاو رسوا کرده حمایت کامل شانرا از دست آورد های انقلاب ثورابراز کردند.

استادان و شاگردان‌مدرسه ابومسلم درمیمنه ،مرکزولایت‌فاریاب، با برگزاری محفلی در صحن آن مدرسه از مصوبات سومین پلینوم کمیته مرکزی حــزب دموکراتیك خلق افغانستان استقبـال نمودند.

در آغاز محفل ، چند آیت از قرآن مجید قرائت شده وبعداز پخش سرود ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان دو نفراز کار مندان دولتی پیرامون‌اهمیت مصوبات سومین پلینوم کمیته مرکزی مطالبی ایراد کردند .

محفل با صدور قطعنامه ،مبنی بـر آمادگی حاضرین در امر تطبیق مصوبات تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان پایان یافت .

قرار یك‌خبر دیگر، از فیض آبادمرکز ولایت بدخشان شاگردان ،استادان و منسوبین ،لیسه های مرکزو عدهٔ کثیری ازمردم زحمتکش فیض آباد اخیرا طی گردهم آیی در لیسه کوکچه حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از مصوبـــات سومین پلینوم کمیته مرکزی حـــزب دموکراتیك خلق‌افغانستان ابراز کردمو آمادگی کامل شانرا در جهت تحقق این فیصله وعده دادند .

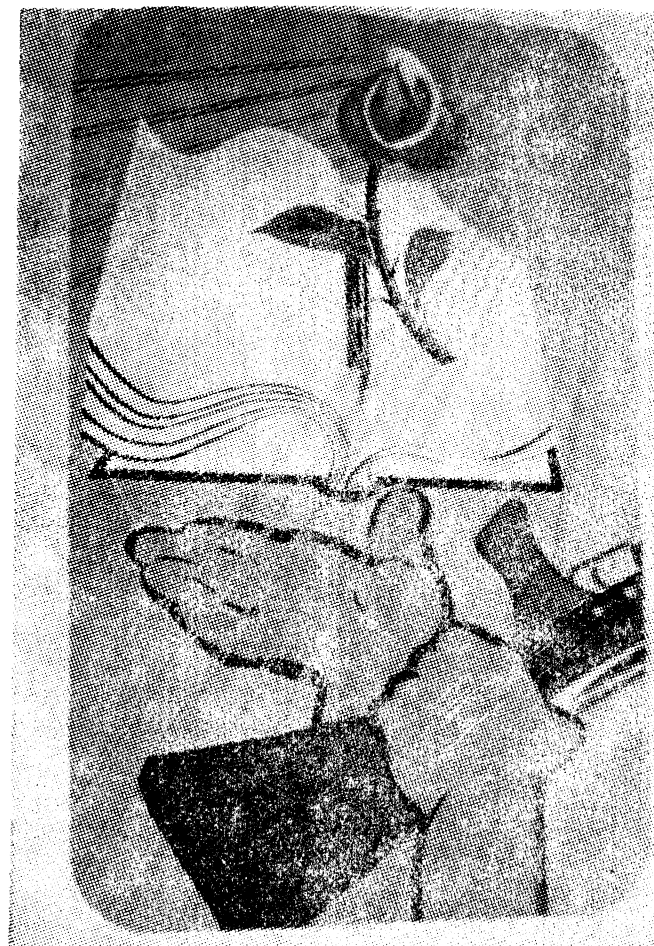
(ب)

(بقیه ص۳)

نکاتی ازبیانیه‌اساسی...

گذاشت ، مامو ظف هستیم‌که استعداد هارا از افتادن به‌بی را ه‌نگاه داریم ، خود ویژگی و نا مکرر بود ن آنها را حفظ کنیم ، ما باور داریم که هیـــچ استعداد ی تاهدف بزرگ‌آنرا سیراب نکند به‌روشنی‌نمیرسد و هدف انسانی تر وبزرگتر از سعاد تمند ی انسا ن جامعه ما وجود ندارد واتحادیه مـا بسو ی آن هد ف راه خواهد پو یید .

سرنوشت ادبیا ت ما از بسا جهات بانسل جدیـــد پیو سته است ، ما یه افتخار هر یك نویسند ه است کـه برای رشد استعدادی سود مند واقع گردد ، همین اتحاد و همکار ی نسل های مختلف شان و شرف زیاد به ادبیا ت ما ارمغا ن خواهد آورد ،هرگاه اتحاد یه نو یسندگا ن بـــه صفو ف خویشس استعداد های جوان را اعم از کارگرا ن ، دهقانا ن ، سر بازا ن ، معلمان و متعلمان جذب نماید حیا ت ادبی کشور از تجار ب حیاتی متنوع آنها به‌غنای چشمگیری نایل خواهد آمد .



سمبول اتحادیه نویسندگان وشاعران ج.د.ا.

بقیه صفحه اول

اتحادیه نویسندگان ...

و محمد صدیق گاوون توفانی را بحیث سکرتر اتحادیه انتخاب نمود .

در شورای مرکزی شخصیت های بر جسته ادبی و شاعران مشهور کشور از قبیل عبدالهادی داوی ، پوهاند علی محمد زهما، عبدالرحمن پژواك عبدالحی حبیبی ، عبدالروف‌بینواسعید افغانی ، عبدالغفور روان فرهادی،داکتر اسدالله حبیب ، محمود بریالـــی ، دستگیر پنجشیری ، سلیمان لا یــق نجم الدین اخگر کاویانی، بریدجنرال گل آقا ، وآصف باختری ، باباکوهی، نصرالله حافظ،محمدالدین ژواك ،داکتر صادق فطرت ، رهنورد زریاب ،نکهت سعیدی ، داکتر جاوید ، صدیقی‌روهی داکتر اکرم‌عثمان،سپوژمی‌زریاب،گاوون توفانی ، فرید مزدك وعدهٔ وسیع دیگر انتخاب شده‌اند .

ایجاد اتحادیهٔ نویسندگان وشعراگام دیگریست درراه همپیوستگی مردم ماو گسترش ابعاد جبهه‌ملی پدرو وطن .

ط : خبرنگار «حقیقت انقلاب ثور»

بقیه ص اول

پیام‌به‌اتحادیه...

جامعهٔ نوین را نمیتوان بوسیلهٔ اشخاص بی تفاوت و بی اعتنا به امر عمران کشور ایجاد کرد برای ایـــن هدف عالی بوجود طر فداران واقعی و، مبارز بن آگاه ضرورت جدی است .

حزب سعی میورزد تا این کیفیت را در توده های مردم پرورش‌دهد ونویسندـ گان کشور را دعوت مینماید تاوسیعاً زیبایی ها و شایستگی های سـور آفرین انقلابی قهرما نان نبرد و کار رانشان دهند ، نمونه های وطنپرستان از خود گذرو خرد مند را در بین مردم تشخیص کنند ودر آثار هنری خویش آنانرا تبارز دهند .

هر قدر که اشکال و محتویات آثار هنری به فرهنگ ، رسوم و عنعنات ملی و احساسات مردم نزدیکتر باشد ، همان قدر قابلیت نفوذ و فهم آثار ادبی و تاثیر الهام بخش آنها بیشتر و قویتر میگردد ، باید به میراث غنی دمو کراتیك ادبای باستان افغا نستان ارج گذاشت و آثار واقعا مردمی و عالی آنها را آموخت .

دولت انقلابی فرهنگ غنی کثیرـ الملیتی افغا نستان را بدسترس‌مردم گذاشته و سعی میورزد تا علاقمندی توده های وسیع را به مطالعه آثـــار جلب نماید ، جهت بر آوردن ایــن هدف فعالیت وسیع بخاطر امحای بی سوادی ، توسعهٔ حلقه های مکاتب غرض آموزش زبانهای ملی مردم ، تحکیم پایه های مادی و تخنیکــی مطبوعات ، تکمیل امور عرضه کتب در شهر ها و قریه ها ، ساختمان کتا بخانه های جدید و تکمیل سرمایه کتابخانه های کهن ، ترویج و سایل رادیو و تلویزیون ، جراید و مجلات، آثار نویسند گان و شعرا اهمیــت بزرگی کسب مینماید .

انتقاد ادبی در امر رشد ادبیـــات معاصر کشور بطور شایانی ، کمك مینماید ، باید از نواقص آثار جداـ گانه فعا لیت مجلات و مطبو عـــات دلیرانه انتقاد نمود و نواقص را آشکار کرد ، در عین حال باید در برابر کار مهم و همه جانبه استادان ادب ، بر خورد احترا مانه صورت گیرد .

انتقاد درست ، عینی و صاد قانه باید همیشه بخاطر رشد خلاق و مفیـــد ادبیات جدید کشور و ارتقای ارزش های سود مند اجتماعی بعمل آید .

وطن نویسند گان و شعرای محترم و محبوب مردم را میشناسد و آثار عالی ادبی و فعالیت خلا قانه اجتماعی شان را قدر مینماید .

تشکیل اتحادیه های روشنفکران خلاق افغانستان مویداین گفتار است. این اتحادیه ها مو ظف اند تااعضای خود را به حیات اجتماعی ، تطبیق بر نامه های حزب بخاطر اعمار جامعهٔ نوین و تبادل آثار فرهنگی بین خلق های جهان جلب نماینه .

نقش ادبیات در پرورش فکــری وزیباشناسی همراه‌بارشدو پیشرفت کلی جا معه بیشتر میگردد این بدان معنی است که نقش اجتماعی نویسندـ گان هر چه بیشتر بر جسته میشود .

ما معیار عالی کیفیت آثار ادبــی را در جهت درست و اصو لی آنهــا و در پختگی فکری ، تیز اند یشی و دور اندیشی نظریات نویسند گا ن و مهارت عالی تخصصی آنها می‌بینیم.

کمیتهٔ مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و شورای انقــــلابی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان ابراز اطمینان می نمایند که با در نظر داشت معیار های فوق ، ادبیات کثیر الملیتی افغا نستان به مر حلهٔ نوین خــود گا سهای ارزنده یی خواهد گذاشت و وظایف پر مسؤولیتی را که انقلاب ثور بدوش آن گذاشته است بــــه شایستگی انجام خواهد داد .

به آرزوی موفقیت های بزرگ شما ادیبان، شاعران‌و نویسندگان هنرمند.

(ببرك کارمل)

منشی عمومی کمیتهٔ مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیك افغا نستان .

(بقیه ص اول)

جوانان‌ساندنیست..

در ماناگوا بر گزار شد در قطعنامه یی که پس از دو روز مذاکرات آنهاتصویب گردید انجام هر اقدام ممکن رابـــرای تقویت جبهه ملی آزادی‌ساندنیست‌وعده دادند .

کنگرهٔ هیات اجرائیه جدید سازمان جوانان برهبری مانول‌هریراعضو شورای جمهوریت نیکاراگوا انتخاب نمود.

زیرنظر هیات تحریر
مدیرمسؤول ـ محمود بریالی
آدرس ـ قصر ستوری
تیلفون ـ ۲۰۸٤۰

مطبعه دولتی